

تواتر حدیث غدیر از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

حدیث غدیر ، برترین دلیل شیعه بر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است که با سندهای صحیح و به صورت متواتر از طریق شیعه و سنی نقل شده است ؛ اما در عین حال برخی از علمای اهل سنت که اعتراف به چنین مطلبی برایشان ناگوار و پذیرش چنین حقیقتی سخت بوده ، چشمان خود را بسته و صحت آن را زیر سؤال برده اند !

از جمله ابن حزم اندلسی ظاهری که با دفاع از ابن ملجم مرادی ، عداوت خود با امیر مؤمنان علیه السلام را علنی کرده است ، در کتاب الفصل خود می نویسد :

وأما من كنت مولاه فعلى مولاه فلا يصح من طريق الثقات أصلاً .

حدیث: من كنت مولاه... به هیچ وجه از طریق افراد ثقه تأیید نشده است.

ابن حزم اندلسی ، علی بن أحمد بن سعید بن حزم الطاهری أبو محمد (متوفای 548 هـ) ، الفصل فی الملل والأهواء والنحل ، ج 4 ، ص 116 ، ناشر : مكتبة الخانجي - القاهرة .

و ابن تیمیه حرانی (متوفای 728 هـ) نیز که در انکار فضائل اهل بیت علیهم السلام زبانزد عام و خاص است در منهاج السنة می نویسد :

وأما قوله من كنت مولاه فعلى مولاه فليس هو في الصحاح لكن هو مما رواه العلماء وتنازع الناس في صحته فنقل عن البخاري وإبراهيم الحربي وطائفة من أهل العلم بالحديث انهم طعنوا فيه وضعفه

حدیث: من كنت مولاه... در کتب روایی صحیح شش گانه آورده نشده است ، بعضی از دانشمندان آن را روایت کرده اند ؛ ولی در صحت آن دچار اختلاف شده اند ، از بخاری و ابراهیم حربی و گروهی دیگر از اهل دانش نقل شده است که آنان این حدیث را تضعیف کرده اند .

ابن تیمیه الحرانی ، أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ، منهاج السنة النبوية ، ج 7 ، ص 319 ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم ، ناشر : مؤسسة قرطبة ، الطبعة الأولى ، 1406 .

و سعد الدین تفتازانی (متوفای 791 هـ) در جواب از حدیث غدیر می نویسد :
والجواب منع تواتر الخبر فإن ذلك من مكابرات الشيعة كيف وقد قدح في صحته كثير من أهل الحديث ولم ينقله المحققون منهم كالبخاري ومسلم والواقدي .

جواب ما این است که حدیث غدیر متواتر نیست و این از زورگویی های شیعه است ، ؛ زیرا بسیاری از علما و محققین علم حدیث ؛ از جمله بخاری ، مسلم و واقدی در صحتش اشکال کرده و آن را نقل ننموده اند .

التفتازاني ، سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله ، شرح المقاصد في علم الكلام ، ج 2 ، ص 290 ، ناشر : دار المعارف النعمانية - باكستان ، الطبعة : الأولى ، 1401 هـ - 1981 م .

نقد و بررسی :

برای روشن شدن حقیقت مطلب و نیز برای سنجش ارزش سخن ابن حزم ، ابن تیمیه و تفتازانی کافی است که به اعترافات علما و دانشمندان نام آور اهل سنت که در علم حدیث و رجال خبره فن هستند ، در باره حدیث

غدير اشاره شود . طبيعي است كه با اثبات صحت و يا تواتر حديث غدير و ورود آن در صحاح سته اهل سنت ، ميزان تقوي و انصاف اين دو دانشمند سني براي همگان روشن خواهد شد .
ما در ابتدا تواتر حديث غدير را از زبان بزرگان سني نقل و سپس تعدادي از اسناد آن را كه علماي رجال سني به صحت آن ها اعتراف کرده اند ، خواهيم آورد .

اعترافات علماي اهل سنت بر تواتر حديث غدير :

حديث غدير نه تنها سندش صحيح است ؛ بلكه بسياري از بزرگان اهل سنت تواتر آن را پذيرفته اند كه ما به نام چند تن از آنان اشاره مي كنيم :

1 . شمس الدين ذهبي (متوفاي 748هـ) :

ذهبي ، دانشمند شهير سني و از ارکان علم رجال اهل سنت كه او را پيشواي جرح و تعديل ناميده اند ، در موارد مختلف به تواتر حديث غدير اعتراف کرده است . وي در سير اعلام النبلا كه از معتبرترين كتاب هاي اهل سنت در علم رجال است ، در ترجمه محمد بن جرير طبري ، صاحب تفسير و تاريخ مي نويسد :
قلت: جمع طرق حديث غدير خم في أربعة أجزاء رأيت شطره فيهرني سعة رواياته وجزمت بوقوع ذلك .

محمد بن جرير طبري اسناد روايت غدير خم را در چهار جلد جمع آوري کرده است كه من قسمتي از آن را ديدم و از گستردگي روايات آن شگفت زده شدم و يقين كردم كه اين اتفاق افتاده است .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز ، سير اعلام النبلاء ، ج 14 ، ص 277 ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسي ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة التاسعة ، 1413 هـ .

و در تذكرة الحفاظ و باز هم در ترجمه محمد بن جرير طبري مي نويسد :
محمد بن جرير بن يزيد بن كثير الامام العلم الفرد الحافظ أبو جعفر الطبري أحد الأعلام وصاحب التصانيف من أهل آمل طبرستان أكثر التطواف ... ولما بلغه ان بن أبي داود تكلم في حديث غدير خم عمل كتاب الفضائل وتكلم على تصحيح الحديث .

قلت رأيت مجلدا من طرق الحديث لابن جرير فاندعشت له ولكثرة تلك الطرق .
من يك جلد از كتاب اسناد حديث غدير را كه ابن جرير نوشته بود را ديدم و از زياد بودن اسناد آن گيج و مبهور شدم .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز ، تذكرة الحفاظ ج 2 ، ص 710 ، رقم : 728 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الأولى .

ابن كثير دمشقي سلفي (متوفاي 774هـ) كه از شاگردان ذهبي به شمار مي رود ، به نقل از استادش مي نويسد :
قال : وصدر الحديث متواتر أتيقن أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله ، وأما : «اللهم وال من والاه» فزيادة قوية الاسناد .

ابن كثير الدمشقي ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي ، السيرة النبوية ، ج 4 ، ص 426 و البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 214 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

ذهبي گفت : اين حديث به صورت متواتر نقل شده است و من يقين كردم كه از رسول خدا صلي الله عليه وآله صادر شده است ، اما جمله : «اللهم وال من والاه» نيز سندش قوي است .

و شهاب الدين آلوسي (متوفاي 1270 هـ) صاحب روح المعاني که جایگاه ویژه‌ای در نزد وهابی‌ها دارد ، در تفسیرش می‌نویسد :

وعن الذهبي أن «من كنت مولاة فعلى مولاة» متواتر يتقين أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قاله وأما اللهم وال من والاه فزيادة قوية الاسناد .

حدیث : «من كنت مولاة فعلى مولاة» متواتر است و به یقین سخن رسول خدا است ؛ اما ادامه آن که رسول خدا فرمود : خدایا دوست بدار هر که علی را دوست دارد ، نیز سندش قوی است

الألوسي البغدادي ، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود ، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، ج 6 ، ص 195 ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .

ترجمه ذهبی :

ابن ناصر الدين از مشاهیر قرن نهم ، (متوفای 842 هـ) در باره شخصیت ذهبی می‌گوید :
الشيخ الإمام الحافظ إمام مفيد الشام ومؤرخ الاسلام ناقد المحدثين وإمام المعدلين والمجرحين شمس الدين ... الدمشقي ابن الذهبي الشافعي .

إبن ناصر الدين الدمشقي ، محمد بن أبي بكر ، الرد الوافر ، ناشر : المكتب الإسلامي - بيروت - 1393 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : زهير الشاويش .

امام ، حافظ (کسی که بیش از صد هزار حدیث حفظ باشد) مؤرخ و اسلام شناس ، منتقد بر اهل حدیث ، پیشوا در جرح و تعدیل راویان ومؤلفان ، شمس الدين ذهبی.

و در جای دیگری از همین کتابش می‌گوید :

وكان آية في نقد الرجال عمدة في الجرح والتعديل عالما بالتفريع والتأصيل إماما في القراءات فقيها في النظريات له درية بمذاهب الأئمة وأربابا المقالات قائما بين الخلف بنشر السنة ومذهب السلف .

الرد الوافر ، ج 1 ، ص 31 .

در نقد رجال حدیث یگانه بود و در جرح و تعدیل راویان حدیث استناد و در استفادۀ فروع از اصول دانشمند و در دانش قرائت‌های قرآن پیشوا و در آراء و انظار فقیه بود . راه ورود به مذاهب چهار گانه و پیشوای همه اندیشه‌ها بود، يك تنه در میان معاصرانش به نشر و تبلیغ سنت و مذهب سلفی گری همت گمارد .

و ابن حجر عسقلاني (متوفای 852 هـ) در الدرر الكامنة می‌نویسد :
قرأت بخط البدر النابلسي في مشيخته كان علامة زمانه في الرجال وأحوالهم حديد الفهم ثاقب الذهن وشهرته تغني عن الإطناب فيه .

من نوشته‌ای بدر نابلسی را که در شرح حال اساتیدش آورده است خواندن که در باره ذهبی گفته بود : وی در دانش رجال و حالات راویان و نویسندگان دانش فراوان داشت ، تیز فهم و ذهنی قوی داشت ، شهرت و آوازه او ما را از توصیف بیشتر بی نیاز می کند .

ابن حجر عسقلاني ، الحافظ شهاب الدين أبي الفضل أحمد بن علي بن محمد ، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة ، ج 5 ، ص 68 ، تحقيق : مراقبة / محمد عبد المعيد صان ، ناشر : مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيد اباد/ الهند ، الطبعة الثانية ، 1392 هـ/ 1972 م .

و جلال الدين سيوطي (متوفای 911 هـ) در باره او می‌نویسد :

الذهبي الإمام الحافظ محدث العصر وخاتمة الحفاظ ومؤرخ الإسلام وفرد الدهر والقائم بأعباء هذه الصناعة شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان قايماز الركمانی ثم الدمشقي .

ذهبي امام و حافظ ، حديث گوي زمان و آخرين نفر از حافظان ، مورخ اسلام و يگانه زمان و ... بود .

جلال الدين سيوطي ، عبد الرحمن بن أبي بكر ، طبقات الحفاظ ، ج 1 ، ص 521 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ، 1403 هـ .

2 . ابن حجر عسقلاني (متوفي 852 هـ) :

ابن حجر از دانشمندان معروف سني که به همراه ذهبي يکي از دو رکن اساسي علم رجال اهل سنت به حساب مي آيد ، در شرح صحيح بخاري ، بسياري از سندهاي حديث غدير را صحيح و حسن مي داند :
واما حديث «من كنت مولاة فعلي مولاة» فقد أخرجه الترمذي والنسائي وهو كثير الطرق جداً وقد استوعبها بن عقدة في كتاب مفرد وكثير من اسانيدھا صحاح وحسان .

حديث : «من كنت مولاة فعلي مولاة» را ، ترمذي ونسائي با سند صحيح نقل کرده اند ، سندهاي بسياري دارد ، که همه آنها را ابن عقدة در کتاب مستقلي جمع آوري کرده است و بسياري از اسناد آن صحيح و يا حسن هستند .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، فتح الباري شرح صحيح البخاري ، ج 7 ، ص 74 ، تحقيق : محب الدين الخطيب ، ناشر : دار المعرفة - بيروت .

و در تهذيب / التهذيب که يکي از کتابهاي معتبر رجالي اهل سنت به حساب مي آيد ، مي گويد که بيش از هفتاد صحابي روايت غدير را نقل کرده اند :
وقد جمعه بن جرير الطبري في مؤلف فيه أضعاف من ذكر وصحه واعتنى بجمع طرقه أبو العباس بن عقدة فأخرجه من حديث سبعين صحابيا أو أكثر .

ابن جرير حديث غدير را از طرق گوناگون در کتاب مستقلي ، با تصحيح آن جمع آوري کرده است ، وکسي که به اسناد آن توجه خاص کرده است ، ابن عقدة است ، وي اين حديث را از زبان بيش از هفتاد صحابي نقل کرده است .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، تهذيب / التهذيب ، ج 7 ، ص 297 ، ناشر : دار الفكر - بيروت ، الطبعة الأولى ، 1404 - 1984 .

ترجمه ابن حجر عسقلاني :

هاشمي مكي ، از مشاهير قرن نهم هجري و از هم دوره هاي ابن حجر ، او را اين گونه مي ستايد :
أحمد بن علي بن محمد بن محمد بن علي بن محمود بن أحمد بن أحمد بن العسقلاني المصري الشافعي الإمام العلامة الحافظ فريد الوقت مفخر الزمان بقية الحفاظ علم الأئمة الأعلام عمدة المحققين خاتمة الحفاظ المبرزين والقضاة المشهورين أبو الفضل شهاب الدين ...

الهاشمي المكي ، الحافظ أبو الفضل تقي الدين محمد بن محمد بن فهد (متوفي 871 هـ) ، لفظ الألفاظ بنيل طبقات الحفاظ ، ج 1 ، ص 326 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت .

ابن حجر عسقلاني مصري شافعي مذهب ، پیشوای دانشمند ، حافظ (صد هزار حدیث) ، یگانه روزگار، افتخار زمان ، باقی مانده از حافظان حدیث ، سرآمد پیشوایان بزرگ ، محقق عمده ، پایان بخش حافظان ، قاضی مشهور ...

3 . ابن حجر الهیثمی (متوفای 974هـ) :

ابن حجر هیثمی در کتاب *الصواعق المحرقة* که آن را علیه مذهب شیعه نگاشته است به کثرت اسناد حدیث غدیر اعتراف کرده و میگوید :
آنکه حدیث صحیح لا مرية فيه وقد أخرجه جماعة كالترمذي والنسائي وأحمد و طرقه كثيرة جدا ومن ثم رواه ستة عشر صحابيا وفي رواية لأحمد أنه سمعه من النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثون صحابيا وشهدوا به لعلي لما نوزع أيام خلافته كما مر وسيأتي وكثير من أسانيدھا صحاح وحسان ولا التفات لمن قدح في صحته .
در صحت حدیث غدیر شکي نیست ؛ زیرا گروهی مانند : ترمذی ، نسائی و احمد آن را با سند نقل کرده اند ، اسناد این حدیث فراوان است و شانزده تن از اصحاب آن را روایت کرده اند ، و در نقلی که احمد دارد می گوید : سی نفر از اصحاب در زمان خلافت علی علیه السلام وقتی که علی از آنان درخواست گواهی بر شنیدن این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه وآله نمود ، شهادت دادند که آن را از پیامبر شنیده اند .
بیشتر سندهای این حدیث صحیح و حسن است و سخن کسی که بر سند آن بخواهد ایراد میگیرد ، ارزش توجه ندارد .

ابن حجر الهیثمی ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ، *الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة* ، ج 1 ، ص 106- 107 ، تحقیق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي و کامل محمد الخراط ، ناشر : مؤسسة الرسالة - لبنان ، الطبعة الأولى ، 1417هـ - 1997م .

ترجمه ابن حجر هیثمی :

عبد القادر العیدروسی (متوفای 1037 هـ) در باره او میگوید :
وفیها [سنة أربع وسبعین بعد التسعمائة] فی رجب توفي الشيخ الإمام شیخ الإسلام خاتمة أهل الفتيا والتدريس ناشر علوم الامام محمد بن إدريس الحافظ شهاب الدين أبو العباس أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهیثمی السعدي الأنصاري بمكة ودفن بالمعلاة فی تربة الطبرین وکان بحرا فی علم الفقه وتحقیقه لا تکره الدلاء وإمام الحرمین كما أجمع علی ذلك العارفون وانهقدت علیه خناصر الملاء إمام اقتدت به الأئمة وهمام صار فی إقليم الحجاز أمة مصنفاة فی العصر آية يعجز عن الإتيان بمثلها المعاصرون ...
واحد العصر وثانی القطر وثالث الشمس والبدر من أقسمت المشكلات أن لا تتضح إلا لديه وأكدت المعضلات آلیتها أن لا تتجلى إلا علیه لا سيما وفي الحجاز علیها قد حجر ولا عجب فإنه المسمى بابن حجر .

ابن حجر هیثمی دریائی از دانش فقه و تحقیق ، امام مدینه و مکه بود که همه پیشوایان به وی اقتدا می کردند ، در سرزمین حجاز از جهت آثار نمونه‌ای بود که مثل و مانند نداشت ...

العبدروسي ، عبد القادر بن شيخ بن عبد الله ، تاريخ النور السافر عن أخبار القرن العاشر ، ج 1 ، ص 258 ،
ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ، 1405 .

4 . جلال الدين سيوطي (متوفاي 911هـ) :

جلال الدين سيوطي ، مفسر ، اديب و محدث مشهور اهل سنت ، از کسانی است که حدیث غدیر را از احادیث متواتر می‌داند . البته ما در کتاب‌هایی که از وی در اختیار داریم ، چنین مطلبی را نیافتیم ؛ ولی دو تن از بزرگان اهل سنت ، این مطلب را از زبان وی نقل کرده‌اند که همین برای ما کفایت می‌کند .
حافظ عبد الرؤوف مناوی در شرح جامع الصغیر سیوطی می‌نویسد :
(من كنت مولاہ) أي وليه وناصره (فعلى مولاہ) ولاء الاسلام وسببه ان أسامة قال لعلي لست مولاي انما مولاي رسول الله فذكره (حمه عن البراء) بن عازب (حم عن بريدة) بن الحصيب (ت ن والضياء عن زيد بن أرقم) ورجال أحمد ثقات بل قال المؤلف حديث متواتر .
راویان این حدیث مورد اعتماد هستند ؛ بلکه مؤلف (سیوطی) گفته است که این حدیث متواتر است .

المناوي ، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤوف ، التيسير بشرح الجامع الصغير ، ج 2 ص 442 ،
(متوفاي 1031هـ) ، ناشر : مكتبة الإمام الشافعي - الرياض ، الطبعة : الثالثة ، 1408هـ - 1988م .
و در فیض القدير که این کتاب نیز در شرح جامع الصغیر سیوطی است ، می‌نویسد :
قال الهيتمي رجال أحمد ثقات وقال في موضع آخر رجاله رجال الصحيح وقال المصنف حديث متواتر

هيثمي گفته است که راویان مسند احمد مورد اعتماد هستند و در جای دیگر گفته که راویان آن راویان صحیح بخاری هستند و مصنف (سیوطی) گفته است که حدیث غدیر متواتر است .

المناوي ، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤوف ، فيض القدير شرح الجامع الصغير ، ج 6 ص 218 ، ناشر :
المكتبة التجارية الكبرى - مصر ، الطبعة : الأولى ، 1356هـ .
و ابراهيم بن محمد حسيني (متوفاي 1120 هـ) از علمای سنی مذهب قرن دوازدهم نیز این مطلب را تأیید می‌کند :

من كنت مولاہ فعلي مولاہ

أخرجه الإمام أحمد ومسلم عن البراء بن عازب رضي الله عنه وأخرجه أحمد أيضا عن بريدة بن الحصيب رضي الله عنه وأخرجه الترمذي والنسائي والضياء المقدسي عن زيد بن رقم رضي الله عنه قال الهيتمي رجال أحمد ثقات وقال في موضع آخر رجاله رجال الصحيح .
وقال السيوطي حديث متواتر . سببه أن أسامة قال لعلي لست مولاي إنما مولاي رسول الله (ص) فقال النبي (ص) : «من كنت مولاہ فعلي مولاہ» .

این حدیث را امام احمد و مسلم از براء بن عازم نقل کرده اند و احمد مجدداً آن را از بریده بن حصیب و ترمذی و نسائی و ضیاء مقدسی از زید بن ارقم آن را نقل کرده اند، هیثمی می گوید: رجال سند احمد همه ثقة هستند و در مورد دیگری گفته است راویان آن راویان صحیح بخاری هستند .
سیوطی می گوید: حدیث غدیر متواتر است.

علت ایراد این حدیث آن است که اسامه به علی گفت : تو مولای من نیستی ؛ بلکه مولای من پیامبر است ، رسول خاد صلی الله علیه وآله پس از شنیدن این سخن فرمود : هر کس من مولای او هستم ، علی نیز مولای او است .

الحسینی ، ابراهیم بن محمد ، *البیان والتعریف فی أسباب ورود الحدیث الشریف* ، ج 2 ، ص 230 ،
ح 1577 ، تحقیق : سیف الدین الکاتب ، ناشر : دار الکتاب العربی - بیروت - 1401 هـ .

ترجمه سیوطی :

نجم الدین العزیز در کتاب *الکواکب السائرة* ، سیوطی را این گونه معرفی می کند :
عبد الرحمن بن أبی بکر الأسیوطی: عبد الرحمن بن أبی بکر بن محمد بن أبی سابق الدین بکر بن عثمان بن محمد بن خضر بن آیوب بن محمد ابن الشیخ همام الدین، الشیخ العلامة، الإمام، المحقق، المدقق، المسند، الحافظ شیخ الإسلام جلال الدین أبو الفضل ابن العلامة کمال الدین الأسیوطی، الخضری، الشافعی صاحب المؤلفات الجامعة، والمصنفات النافعة، وألف المؤلفات الحافلة الكثيرة الكاملة الجامعة، النافعة المتقنة، المحررة، المعتمدة نیفت عدتها علی خمسمائة مؤلف

وكان أعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه، ورجاله، وغريبه، واستنباط الأحكام منه، وأخبر عن نفسه أنه يحفظ مئتي ألف حديث. قال: ولو وجدت أكثر لحفظته. قال: ولعله لا يوجد على وجه الأرض الآن أكثر من ذلك

استاد علامه ، پیشوا ، محقق ، دقیق ، حافظ (کسی که صد هزار حدیث حفظ است)، صاحب کتابهای جامع و تألیفات سودمند ، کسی که بیش از پانصد کتاب مفید و ارزشمند نوشته است ، دانا ترین فرد در دانش حدیث و فنون آن ، اهل استنباط احکام و کسی که خودش گفته است : دویست هزار حدیث را حفظ هستم و اگر بیشتر می یافتم باز هم حفظ می کردم ، که البته شاید اکنون بیش از این حدیث وجود نداشته باشد.

الغزي ، نجم الدین محمد بن محمد ، *الکواکب السائرة بأعيان المئة العاشرة* ، ج 1 ، ص 142 ،
(متوفای 1061 هـ) .

5 . أبو حامد غزالي (متوفای 505 هـ) :

غزالي ، دانشمند نامور و شهیر قرن ششم که ذهبی از او با عنوان اعجوبه زمان یاد می کند ، در باره حدیث غدیر و پیمانی که خلیفه دوم در آن روز بست و تنها چند روز بعد از غدیر آن را به باد فراموشی سپرد ، می نویسد :

واجمع الجماهير على متن الحديث من خطبته في يوم عيد يزحم باتفاق الجميع وهو يقول : « من كنت مولاه فعلي مولاه » فقال عمر بن الخطاب يا أبا الحسن لقد أصبحت مولاي ومولى كل مؤلى فهذا تسليم ورضى وتحكيم ثم بعد هذا غلب الهوى تحب الرئاسة وحمل عمود الخلافة وعقود النبوة وخفقات الهوى في قعقة الرايات واشتباك ازدحام الخيول وفتح الأمصار وسقاهاهم كأس الهوى فعادوا إلى الخلاف الأول : فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمناً قليلاً .

از خطبه های رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) خطبه غدیر خم است که همه مسلمانان بر متن آن اتفاق دارند . رسول خدا فرمود : هر کس من مولا و سرپرست او هستم ، علی مولا و سرپرست او است . عمر پس از این فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) این گونه تبریک گفت :

«افتخار ، افتخار ای ابوالحسن ، تو اکنون مولا و رهبر من و هر مولای دیگری هستی.»

این سخن عمر حکایت از تسلیم او در برابر فرمان پیامبر و امامت و رهبری علی (علیه السلام) و نشانه رضایتش از انتخاب علی (علیه السلام) به رهبری امت دارد ؛ اما پس از گذشت آن روزها ، عمر تحت تأثیر هوای نفس و علاقه به ریاست و رهبری خودش قرار گرفت و استوانه خلافت را از مکان اصلی تغییر داد و با لشکر کشی‌ها ، برافراشتن پرچم‌ها و گشودن سرزمین‌های دیگر ، راه امت را به اختلاف و بازگشت به دوران جاهلی هموار کرد و [مصدق این آیه قرآن شد :

پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن ، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند .

الغزالي ، أبو حامد محمد بن محمد ، سر العالمین و کشف ما فی الدارین ، ج 1 ، ص 18 ، باب فی ترتیب الخلافة والمملكة ، تحقیق : محمد حسن محمد حسن إسماعیل وأحمد فريد المزيدي ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، 1424 هـ 2003 م .

ترجمه أبو حامد غزالي :

علامه شمس الدین ذهبی در ترجمه او می‌نویسد :
الغزالي الشيخ الإمام البحر حجة الإسلام أعجوبة الزمان زين الدين أبو حامد محمد بن محمد بن محمد بن أحمد الطوسي الشافعي الغزالي صاحب التصانيف والذكاء المفطر ... ثم بعد سنوات سار إلى وطنه لازماً لسننه حافظاً لوقته مكباً على العلم
غزالي استاد پیشوا و دریای علم ، نشانه اسلام ، اعجوبه زمان ، صاحب کتاب‌ها و انسانی با هوش فراوان و زیرک ... بود .
پس از سال‌ها به زادگاهش بازگشت و به استفاده از وقت ، فرصت و علم و دانش روزگار را سپری کرد

سير أعلام النبلاء ، ج 19 ، ص 322 ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة : التاسعة ، 1413 هـ .

و در جلد 14 ، ص 202 از همین کتاب با استفاده از حدیث نبوی او را یکی از احیایران دین می‌داند و می‌نویسد :

وقال الحاكم سمعت حسان بن محمد يقول كنا في مجلس ابن سريج سنة ثلاث وثلاث مئة فقام إليه شيخ من أهل العلم فقال أبشر أيها القاضي فإن الله يبعث على رأس كل مئة سنة من يجدد يعني للأمة أمر دينها وإن الله تعالى بعث على رأس المئة عمر بن عبدالعزيز وبعث على رأس المئتين محمد بن إدريس الشافعي ...

قلت وقد كان على رأس الأربع مئة الشيخ أبو حامد الاسفراييني **وعلى رأس الخمس**

مئة أبو حامد الغزالي وعلى رأس الست مئة الحافظ عبد الغني ...

حاکم می‌گوید : از حسان بن محمد شنیدم که می‌گفت : در سال 303 هـ در مجلس ابن سريج بودم ، پیر مردی دانشمند بر خواست و گفت : بشارت ای قاضی ! خداوند در هر صد سال کسی را می‌فرستد که احیایران دین است ، عمر بن عبد العزیز اولین است و در صد سال دوم محمد بن ادریس شافعی است ...

من می‌گویم در صد سال چهارم ابو حامد اسفراييني است و در صد سال پنجم

غزالي و در صد سال ششم حافظ عبد الغني است ، و ...

6 . ملا علي قاري (متوفاي 1014هـ) :

ملا علي هروي ، معروف به هروي ، صاحب كتاب معتبر مرقاة المفاتيح در باره حديث غدير و تواتر آن ميگويد :
أن هذا حديث صحيح لا مرية فيه ، بل بعض الحفاظ عده متواتراً إذ في رواية أحمد أنه سمعه من النبي صلى الله عليه وسلم ثلاثون صحابياً وشهدوا به لعلي لما نزع أيام خلافته .
حديث غدير بدون شك صحيح است ؛ بلکه بعضي از حفاظ آن را متواتر دانسته اند ؛
چون در نقل احمد آمده است :

این حديث را در زمان خلافت علي عليه السلام بعد از اختلافي که در باره آن پيش آمد، سي تن از اصحاب شهادت دادند که آن را از رسول خدا صلي الله عليه وآله شنیده اند.
محمد القاري ، علي بن سلطان ، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح ، ج 11 ، ص 248 ، تحقيق : جمال عيتاني ، ناشر : دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت ، الطبعة الأولى ، 1422هـ - 2001م .

ترجمه ملا علي قاري :

عاصمي مكي (متوفاي 1111هـ) در باره او مي نويسد :
الشيخ الملا على القارى بن سلطان بن محمد الهروى الحنفى الجامع للعلوم العقلية والنقلية والمتضلع من السنة النبوية أحد جماهير الأعلام ومشاهير أولى الحفظ والأفهام ولد بهرة ورحل إلى مكة وتديرها أخذ عن خاتمة المحققين العلامة ابن حجر الهيثمي .
ملا علي قاري حنفي مذهب در علوم عقلي و نقلي جامع بود و سنت نبوي را به درستي مي شناخت ، او يکي از دانشمندان بزرگ و نام آوران زمان و داراي قدرت حافظه و صاحب فهم بود .

العاصمي المكي ، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي ، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي ، ج 4 ، ص 402 ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود و علي محمد معوض ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت - 1419هـ - 1998م .

7 . علامه شمس الدين الجزري الشافعي (متوفاي 833هـ) :

شمس الدين جزري که کتاب مستقلي در باره فضائل امير مؤمنان عليه السلام نوشته ، بعد از نقل حديث مناشده امير المؤمنين عليه السلام به حديث غدير در رجه ، ميگويد :
هذا حديث حسن من هذا الوجه ، صحيح من وجوه كثيرة تواتر عن امير المؤمنين علي ، وهو متواتر ايضاً عن النبي صلي الله وسلم رواه الجم الغفير عن الجم الغفير ، ولا عبرة بمن حاول تضعيفه من لا اطلاع له في هذا العلم .

وي پس از نقل حديث غدير مي گويد: این حديث از این جهت حسن واز جهات زيادي صحيح و از جهت امير المؤمنين علي و رسول خدا متواتر است، گروههاي زيادي از گروههاي زيادي ديگر آن را روايت کرده اند، سخن کساني که بدون آگاهي از دانش حديث آن را ضعيف دانسته اند ارزشي ندارد ونباید به آن اعتنا کرد.

الجزري الشافعي ، أبي الخير شمس الدين محمد بن محمد بن محمد ، أسنى المطالب في مناقب سيدنا علي بن أبي طالب كرم الله وجهه ، ص48 ، تقديم و تحقيق وتعليق الدكتور محمد هادي الأميني ، ناشر : مكتبة الإمام امير المؤمنين (ع) العامة ، اصفهان - ايران

ترجمه علامه جزري :

محمد بن محمد بن محمد بن محمد الحافظ - الإمام المقرئ شمس الدين ابن الجزري ، ولد ليلة السبت الخامس والعشرين من شهر رمضان سنة 751 بدمشق ، وتفقّه بها ، ولهج بطلب الحديث والقرآت ، وبرز في القرآت ، وعمر مدرسة للقرء سماها دار القرآن وأقرأ الناس ، وعين لقضاء الشام مرة ، وكتب توقيعه عماد الدين بن كثير ثم عرض عارض فلم يتم ذلك وقدم القاهرة مرارا ، وكان مثريا وشكلا حسنا وفصيحا بليغا ...

وكان كثير الإحسان لأهل الحجاز ، وأخذ عنه أهل تلك البلاد في القرآت وسمعوا عليه الحديث ... وقد انتهت إليه رئاسة علم القرآت في الممالك ، وكان قديما صنف الحصن الحصين في الأدعية ولهج به أهل اليمن واستكثروا منه ، وسمعه علي قبل أن يدخل هو إليهم ثم دخل إليهم فأسمعهم ، وحدث بالقاهرة بمسند أحمد ومسند الشافعي وبغير ذلك **وكان يلقب في بلاده الإمام الأعظم .**

جزري شب بیست و پنجم رمضان سال 751هـ در شهر دمشق به دنیا آمد و در همان شهر به دانش اندوزي پرداخت و براي آشنائي با حديث و قرائت‌هاي قرآن تلاش کرد و در همین رشته هم موفق شد و مدرسه‌اي به نام دار القرآن تاسیس کرد . به قضاوت از طرف عماد الدين كثير منصوب شد ولي آن را به پایان نرساند ، چندین بار به قاهره سفر کرد ، وي چهره اي زیبا و جذاب داشت...

نسبت به مردم حجاز بسیار نیکو کار بود، از وي دانش قرائات و حديث را آموختند... در همه کشورها دانش قرائت به او ختم مي شد و کتابي در دعا به اسم الحصن الحصين نوشت ، مردم يمن از وي استفاده فروان نمودند ، در قاهره مسند احمد و شافعي را بر مردم مي خواند ، به او امام اعظم لقب داده بودند .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، إنباء الغُمر بأبناء العمر في التاريخ ، ج 8 ص 245 ، تحقيق : د.محمد عبد المعيد خان ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان الطبعة : الثانية ، 1406هـ - 1986م .

8 . سبط بن جوزي (متوفاي 654هـ) :

سبط بن جوزي ، نوه دختری أبو الفرج بن جوزي ، از بزرگان قرن هفتم اهل سنت در تذكرة الخواص در باره حديث غدیر مي‌گوید :

اتفق علماء السير على أنّ قصّة الغدير كانت بعد رجوع النبي (ص) من حجّة الوداع في الثامن عشر من ذي الحجّة جمع الصحابة وكانوا مائة وعشرون ألفاً وقال: (من كنت مولاه فعلي مولاه) الحديث ، نص (ص) على ذلك بصريح العبارة دون التلويح والإشارة .

دانشمندان متخصص در تاريخ اسلام اتفاق دارند كه قصه غدیر بعد از باز گشت رسول خدا صلي الله عليه وآله از حجّة الوداع در هیجدهم ذي الحجّة اتفاق افتاد ، اصحاب و یارانش را صد و بیست هزار نفر بودند جمع کرد و درسخرناني اش فرمود : هر کس من او را مولا و رهبرم ؛ پس علي ، مولا و رهبر او است ، در این روایت با صراحت نه با کنایه و اشاره رسول خدا صلي الله عليه وآله علي را پیشوا قرار داد.

سبط بن جوزي الحنفي ، شمس الدين أبوالمظفر يوسف بن فرغلي بن عبد الله البغدادي ، تذكرة
الخواص ، ص 37 ، ناشر : مؤسسة أهل البيت - بيروت ، 1401هـ - 1981م .

ترجمه ابن جوزي :

شمس الدين ذهبي در باره او مي گويد:
يوسف بن قُزْغلي بن عبد الله . الإمام ، الواعظ ، المؤرخ شمس الدين ، أبو المظفر
التركي ، ثم البغدادي العوني الحنفي . سبط الإمام جمال الدين أبي الفرج ابن الجوزي ؛ نزيل
دمشق . وُلِدَ سنة إحدى وثمانين وخمسائة ... وكان إماماً ، فقيهاً ، واعظاً ، وحيداً في الوعظ
، علامةً في التاريخ والسير ، وافر الحرمة ، محبباً إلى الناس ... ودرّس بالشبلية مدة ،
وبالمدرسة البدرية التي قبالة الشبلية . وكان فاضلاً عالماً ، ظريفاً ، منقطعاً ، منكراً ، على
أرباب الدول ما هم عليه من المنكرات ، متواضعاً صاحب قبول تام .

يوسف بن فرغلي حنفي ، پيشوا ، فقيه ، تاريخ دان و در سخنوري يگانه بود ، در تاريخ
و سرگذشت ، علامه و در نزد مردم بسيار قابل احترام و محبوب بود . مدتي در شبيله و
مدرسه بدرية تدريس مي کرد ، او فاضل ، دانشمند و نکته سنج بود و با دولتمرداني که
کارهاي ناپسندي مي کردند ، مخالفت مي کرد و همگان او را قبول داشتند .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز ، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ،
ج 48 ص 183 ، تحقيق : د. عمر عبد السلام تدمري ، ناشر : دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت ، الطبعة : الأولى ،
1407هـ - 1987م .

أبو محمد يافعي (متوفاي768هـ) در باره او مي نويسد :
العلامة الواعظ المورخ شمس الدين أبو المظفر يوسف التركي ثم البغدادي المعروف
بابن الحوزي سبط الشيخ جمال الدين أبي الفرج ابن الجوزي أسمعته جده منه ومن جماعة
وقدم دمشق سنة بضع وست مائة فوعظ بها وحصل له القبول العظيم للطف شمائله وعذوبة
وعظه .

در شهر دمشق مردم را موعظه مي کرد و چون چهره و سخنش جذاب بود ، مورد
قبول و پذيرش عموم قرار گرفت

اليافعي ، أبو محمد عبد الله بن أسعد بن علي بن سليمان ، مرآة الجنان وعبرة اليقظان ، ج 4 ، ص 136 ،
ناشر : دار الكتاب الإسلامي - القاهرة - 1413هـ - 1993م .

قطب الدين اليونيني (متوفاي726هـ) در باره او مي نويسد :
وكان أوجد زمانه في الوعظ حسن الإيراد ترق لرؤيته القلوب وتذرف لسماع كلامه
العيون وتفرد بهذا الفن وحصل له فيه القبول التام وفاق فيه من عاصره وكثيراً ممن تقدمه حتى
أنه كان يتكلم في المجلس الكلمات اليسيرة المعدودة أو ينشد البيت الواحد من الشعر
فيحصل لأهل المجلس من الخشوع والاضطراب والبكاء ما لا مزيد عليه فيقتصر على ذلك القدر
اليسير وينزل فكانت مجالسه نزهة القلوب و الأبصار يحضرها الصلحاء والعلماء والملوك والأمراء
والوزراء وغيرهم ولا يخلو المجلس من جماعة يتوبون ويرجعون إلى الله تعالى .

در وعظ و سخنراني در زمان خودش منحصر به فرد بود ، با دیدنش رقت قلب براي
بيننده ايجاد مي شد و با شنیدن سخنش اشكها جاري مي شد ، مورد قبول عموم بود ،
گاهي در مجلسي كلماتي اندك و يا شعري مي خواند همه حاضران را به گريه مي انداخت .

در مجلس وي همواره دانشمندان و اميران و وزيران و غير آنان حضور مي يافتند ، و هيچگاه نمي شد كه بدون توبه كسي از مجلسش خارج شود .

اليونيني ، قطب الدين أبو الفتح موسى بن محمد ، *ذيل مرآة الزمان* ، ج 1 ، ص 15 .

العكري الحنبلي (متوفاي 1089هـ) در باره او مي نويسد :

سبط ابن الجوزي **العلامة الواعظ** المؤرخ شمس الدين أبو المظفر يوسف بن فرغلي التركي ثم البغدادي الهبيري الحنفي سبط الشيخ أبي الفرج بن الجوزي أسمعته جده منه ومن ابن كليب وجماعة وقدم دمشق سنة بضع وستمائة فوعظ بها وحصل له القبول العظيم للطف شمائله وعذوبة وعظه ... ولو لم يكن له إلا كتابه مرآة الزمان لكفاه شرفا .

العكري الحنبلي ، عبد الحي بن أحمد بن محمد ، *شذرات الذهب في أخبار من ذهب* ، ج 5 ، ص 266 ، تحقيق : عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط ، ناشر : دار بن كثير - دمشق ، الطبعة الأولى ، 1406هـ .

9 . علامه اسماعيل بن محمد العجلوني الجراحي (متوفاي 1162هـ) :

عجلوني نويسنده كتاب كشف الخفاء ، از دانشمندان مشهور سني در قرن دوازدهم در باره حديث غدير مي گويد :

(من كنت مولاه فعلي مولاه) رواه الطبراني وأحمد والضياء في المختارة عن زيد بن أرقم وعلي وثلاثين من الصحابة بلفظ اللهم وال من والاه وعاد من عاداه **فالحديث متواتر أو مشهور** .

حديث: «من كنت مولاه فعلي مولاه» را طبراني و احمد و ضياء در كتابش المختارة، از زيد بن ارقم وعلي و سي نفر از صحابه نقل کرده اند، پس حديث متواتر و مشهور است.

العجلوني الجراحي ، إسماعيل بن محمد ، *كشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس* ، ج 2 ، ص 361 ، رقم : 2591 ، تحقيق : أحمد القلاش ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة : الرابعة ، 1405هـ .

ترجمه العجلوني :

البديري (متوفى بعد از 1175هـ) در ترجمه او مي نويسد :

وفي يوم الاثنين ثاني محرم هذه السنة توفي شيخنا محدث الديار الشامية ، **يل خاتمة المحدثين** ، من افتخرت به دمشق على سائر الدنيا الشيخ إسماعيل العجلوني المدرّس تحت قبة النسر بجامع بني أمية ، ولم يبق أحد من أهل الشام من كبير وصغير إلا حضر جنازته .

در دوم محرم سال 1162 استاد ما ، محدث ديار شام و بلکه خاتم محدثان و كسي كه مردم شام به جهت وجود او در آن ديار بر ديگر مردم دنيا فخر فروشي مي كردند ، از دنيا رفت . در روز مرگش كوچك و بزرگ در تشييع جنازه اش شركت كردند .

البديري الحلاق ، أحمد بن بدير ، *حوادث دمشق اليومية* ، ج 1 ، ص 30 ، حوادث سال 1162هـ .

محقق كتاب كشف الخفاء در مقدمه كتاب ص 6 مي نويسد :

وقد ترجمه الشيخ سعيد السمان في كتابه وقال في وصفه : خاتمة أئمة الحديث ومن ألقت إليه مقاليدها بالقديم والحديث اقتدح زناده فيه فأضاء وشاع حتى ملأ الفضاء أخذا بطرفي العلم والعمل متسهما ذروة عن غيره بعيدة الأمل يقطع أثناء الليل تضربا وعبادة ويوسع أطراف

النهار قراءة وإفادة لا يشغله عن ترداده النظر في دفاتره مرام ولا عن نشر طبيها نقض ولا إبرام مع ورع ليس للرياء عليه سبيل وغض بصر عما لا يعني من هذا القبيل
خاتم امامان حديث ، كليلد و رمز همه علوم در دست او بود ، شبهايش به عبادت و روزش به مطالعه و تدريس مي گذشت ، اهل پارسائي و ورع و به دور از ريا بود

10 . محمد بن اسماعيل صنعاني (متوفاي 1182هـ) :

صنعاني ، نويسنده كتاب معتبر *سبل السلام* در باره حديث غدير مي گويد :
حديث من كنت مولاه فعلى مولاه أخرجه جماعة من أئمة الحديث منهم أحمد والحاكم من حديث ابن عباس وابن أبي شيبه وأحمد من حديث ابن عباس عن بريدة وأحمد وابن ماجه عن البراء و ... **وقد عده أئمة من المتواتر** .

گروهی از بزرگان و پیشوایان در دانش حديث ؛ مانند : احمد حنبل و حاکم نیشابوري و ابن ابی شیبه و ابن ماجه حديث : من كنت مولاه... را با سند روايت کرده اند . برخی از پیشوایان آن را از احاديث متواتر شمرده اند .

الحسنی صنعاني ، محمد بن إسماعيل الأمير ، توضيح الأفكار لمعاني تنقيح الأنظار ، ج 1 ، ص 243 ، تحقيق : محمد محي الدين عبد الحميد ، ناشر : المكتبة السلفية - المدينة المنورة .

ترجمه صنعاني :

الفتوجي (متوفاي 1307 هـ) در باره او مي گويد :
كتاب اسبال المطر على قصب السكر وكتاب توضيح الافكار شرح تنقيح الانظار كلاهما للسيد **الامام المجتهد العلامة** محمد بن إسماعيل الامير اليميني رحمه الله .
نويسنده كتاب اسبال المطر و توضيح الأفكار ؛ آقا ، امام ، مجتهد و علامه محمد اسماعيل است .

الفتوجي ، صديق بن حسن ، أبجد العلوم الوشي المرقوم في بيان أحوال العلوم ، ج 2 ، ص 66 ، تحقيق : عبد الجبار زكار ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت - 1978 .

اسماعيل باشا بغدادی (متوفاي 1339 هـ) در هدیه العارفین مي نويسد :
السيد محمد بدر الدين ابن المتوكل على الله اسماعيل بن صلاح الامير الكحلاني ثم الصنعاني رئيس العلماء والخطيب بها هو من اصحاب الحديث والاجتهاد .
او رئيس علما و خطيب آنها و از اصحاب حديث و اجتهاد بود .

البغدادی ، إسماعيل باشا البغدادي ، هدیه العارفین أسماء المؤلفين وأثار المصنفين ، ج 6 ، ص 338 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت - 1413 - 1992 .

11 . محمد بن جعفر الكتاني (متوفاي 1345هـ) :

جعفر كتاني از مشاهير قرن چهاردهم در باره حديث غدير مي گويد :
وفي رواية لأحمد أنه سمعه من النبي (ص) **ثلاثون صحابيا وشهدوا به لعلي لما نزع أيام خلافته** **وممن صرح بتواتره أيضا المناوي** في التيسير نقلا عن السيوطي وشارح المواهب اللدنية وفي الصفوة للمناوي .

در نقل احمد آمده است که سي نفر از اصحاب رسول خدا براي علي شهادت دادند که حديث غدیر را از زبان پیامبر شنیده اند ، و از کسانی که تصريح به تواتر آن دارد مناوي است که آن را از سیوطي نقل کرده است .

الکتابي ، محمد بن جعفر أبو عبد الله ، *نظم المتناثر من الحديث المتواتر* ، ج 1 ، ص 195 ، تحقيق : شرف حجازي ، ناشر : دار الكتب السلفية - مصر .

12 . محمد ناصر الباني (1332 هـ . 1914 م ؛ 1420 هـ - 1999 م) :

محمد ناصر الباني ، محدث مشهور و معاصر وهابي که بیش از صد جلد کتاب نوشته ، در باره حديث غدیر ميگويد :

و للحديث طرق أخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيثمي في " المجمع " (9 / 103 - 108) و قد ذكرت و خرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواقف عليها بعد تحقيق الكلام على أسانيدها بصحة الحديث يقينا ، و إلا فهي كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد ، قال الحافظ ابن حجر : منها صحاح و منها حسان .

و جملة القول أن حديث الترجمة حديث صحيح بشطريه ، **بل الأول منه متواتر عنه** صلى الله عليه وسلم كما ظهر لمن تتبع أسانيده و طرقه ، و ما ذكرت منها كفاية .

الباني ، محمد ناصر (معاصر) ، *السلسلة الصحيحة* ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

براي حديث غدیر سندهاي بسياري ذکر شده است که افراد زيادي مانند هيثمي در کتابش المجمع اسناد آن را ذکر کرده اند ، و من آنچه آورده ام اندکي از آن است که هر کسي پس از آشنائي با اسناد آن يقين به صحت پيدا مي کند . ابن عقده همه راههاي نقل آن را در کتابي مستقل جمع کرده است و ابن حجر بنا بر بعضي از اسناد ، آن را صحيح و بر بعضي از اسناد ، حسن دانسته است .

خلاصه سخن آن که هر دو قسمت اين روايت [من كنت مولاه فعلي مولاه ؛ اللهم وال من والاه] صحيح هستند ؛ بلکه قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلي الله عليه وآله نقل شده است

ترجمه الباني :

سايتي که وهابي ها به نام او در اينترنت داير کرده اند ، وي را اين گونه معرفي کرده است : العلامة الشيخ محمد ناصر الدين الألباني أحد أبرز العلماء المسلمين في العصر الحديث ، ويعتبر الشيخ الألباني من علماء الحديث البارزين المتفردين في علم الجرح والتعديل ، والشيخ الألباني حجة في مصطلح الحديث وقال عنه العلماء المحدثون إنه أعاد عصر ابن حجر العسقلاني والحافظ بن كثير وغيرهم من علماء الجرح والتعديل .

علامه ناصر الدين الباني يکي از معروفترين دانشمندان مسلمان در زمان حاضر است ، او در حديث شناسي و جرح و تعديل رجال و راويان حديث منحصر به فرد و الگوي ديگران است ، برخي از دانشمندان در باره وي گفته اند : الباني زمان ابن حجر عسقلاني و ابن كثير و ديگر دانشمندان در علم حديث شناسي و جرح و تعديل را زنده کرده است .

و بعد در ادامه مي نويسد :

قال سماحة الشيخ عبد العزيز بن باز رحمه الله :

«ما رأيت تحت أديم السماء عالما بالحديث في العصر الحديث مثل العلامة محمد ناصر الدين الألباني» .

بن باز مفتي اسبق حجاز مي گوید : در عصر حاضر دانشمندی داناتر از شیخ ناصر الباني به علم حديث در زیر آسمان كبود سراغ ندارم .

و نیز مي نويسد :

وسئل سماحته عن حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم : «إن الله يبعث لهذه الأمة على رأس كل مائة سنة من يجدد لها دينها» فسنل من مجدد هذا القرن ، فقال رحمه الله : الشيخ محمد ناصر الدين الألباني هو مجدد هذا العصر في ظني والله أعلم .

از بن باز در باره اين سخن رسول خدا صلي الله عليه وآله كه فرمود : در هر صد سال خداوند احيا گري براي دين مي فرستد ، سؤال شد ، كه چه كسي اكنون مجدّد دين است ؟ گفت : به گمان من احياگر سنت و دين در اين زمان الباني است .

و به نقل از شيخ مقبل الوادعي مي نويسد :

والذي أعتقده وأدين الله به أن الشيخ محمد ناصر الدين الألباني حفظه الله من المجددين الذين يصدق عليهم قول الرسول (صلى الله عليه وسلم) : «إن الله يبعث على رأس كل مائة سنة من يجدد لها أمر دينها» .

مقبل وادعي گفته است : آنچه من به آن اعتقاد دارم اين است كه الباني از مجددين و احياگران دين و مصداق حديث رسول خدا صلي الله عليه وآله است كه در هر قرن يك نفر به دنيا مي آيد كه دين را احياء مي كند .

مصدر :

http://alalbany.net/albany_serah.php

13 . شعيب الأرناؤوط (معاصر) :

شعيب الأرناؤوط ، محقق مشهور و معاصر سني كه كتاب هاي بسياري ؛ از جمله تهذيب الكمال ، سير اعلام النبلاء ، مسند احمد و ... را تحقيق و تصحيح کرده است ، در تحقيق كتاب مسند احمد ، در ذيل حديث 3062 نكاتي را يادآور مي شود و از جمله مي گويد :

قوله « من كنت مولاة فعلي مولاة » لها شواهد كثيرة تبلغ حد التواتر .

حديث: من كنت مولاة فعلي مولاة ، شواهد بسياري دارد كه آن به مرحله تواتر

مي رساند .

احمد بن حنبل ، مسند أحمد بن حنبل ، (الأحاديث منيعة بأحكام شعيب الأرناؤوط عليها) ج 1 ، ص 330 ، ذيل حديث 3062 ، ناشر مؤسسة قرطبة - القاهرة .

اعتراف علمای اهل سنت به صحت حديث غدير :

1 . ترمذي از أبو طفيل :

حدثنا محمد بن بشار حدثنا محمد بن جعفر حدثنا شُعْبَةُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الطُّفَيْلِ يَحْدُثُ عَنْ أَبِي سَرِيحَةَ أَوْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ شَكَّ شُعْبَةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّْ مَوْلَاهُ» .

قال : أبو عيسى هذا حديث حسن صحيح وقد روى شعبه هذا الحديث عن ميمون أبي عبد الله عن زيد بن أرقم عن النبي صلى الله عليه وسلم وأبو سريحة هو حذيفة بن أسيد الغفاري صاحب النبي .

أبي سريحة و یا زید بن أرقم (تردید از شعبه است) از رسول خدا نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود : «هرکس من مولای او هستم ، پس علی مولای او است» .
این حدیث حسن و صحیح است ، شعبه این روایت را از ميمون بن عبد الله از زید بن أرقم از رسول خدا صلی الله علیه واله نقل کرده است . أبو سريحة همان حذيفة بن أسيد غفاري صحابي رسول خدا است .

الترمذي ، محمد بن عيسى أبو عيسى السلمي (متوفای 279هـ) ، سنن الترمذي ، ج 5 ، ص 633 ، ح 3713 ، باب مناقب علي بن أبي طالب رضي الله عنه ، تحقيق : أحمد محمد شاكر وآخرون ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .

محمد ناصر الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :
أخرجه الترمذي و قال : «حديث حسن صحيح» .

قلت : وإسناده صحيح على شرط الشيخين .

ترمذي آن را نقل کرده و گفته است که این روایت حسن و صحیح است و من می‌گویم که سند آن با شرائطی که بخاری و مسلم برای صحت روایت قائل هستند ، صحیح است .
الألباني ، محمد ناصر ، سلسلة الأحاديث الصحيحة ، ج 4 ، ص 331-332 ، ناشر : مكتبة المعارف - الرياض .

2 . ابن ماجه قزوینی از سعد بن أبي وقاص :

حدثنا علي بن محمد ثنا أبو معاوية ثنا موسى بن مسلم عن بن سابط وهو عبد الرحمن عن سعد بن أبي وقاص قال قديم معاوية في بعض حجاته قد دخل عليه سعد فذكروا علياً فقال منه فغضب سعد وقال تقول هذا لرجل سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من كنت مولاه فعلي مولاه وسميعته يقول أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي وسميعته يقول لأعطين الراية اليوم رجلاً يحب الله ورسوله .

عبد الرحمن ، معروف به ابن سابط ، از سعد بن ابی وقاص نقل کرده است که در یکی از سالهای حج که معاویه به مکه رفته بود ، سعد بن ابی وقاص به ملاقات او رفت . در این هنگام ، حاضران برای خوشحال کردن ، معاویه ، از حضرت علی علیه السلام بدگویی می‌کردند .

سعد ، از شنیدن نکوهش آنان ، خشمناك شد و گفت : چنین سخنان نابجا و نابخردانه را درباره بزرگواری می‌گوئید که خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود :

«من كنت مولاه فعلي مولاه» .

و شنیدم خطاب به حضرت علی علیه السلام، می‌فرمود:

«انت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي»

و شنیدم که فرمود:

«لَاعْطَيْنِ الرَّايَةَ رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ؛ هَمَانًا بِرْجَمِ جَنْغٍ رَا بَه مَرْدِي مِي سِپَارْم كِه
خدا و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَا دُوسْت مِي دَارْد.

ابن ماجه القزويني ، محمد بن يزيّد (متوفاي 275 هـ) ، سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 45 ، ح 121 ، باب قُضِلَ
عَلَيَّْ بَن أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر : دار الفكر - بيروت .

محمد ناصر الباني نيز بعد از نقل روايت مي گويد :

أَخْرَجَهُ ابْنُ مَاجَةَ (121) . قُلْتُ : وَ إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ .

الأباني، محمد ناصر ، سلسلة الأحاديث الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

3 . ابن ماجه قزويني از براء بن عازب :

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَخْبَرَنِي حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ بَن
جُدْعَانَ عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ أَقْبَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
فِي حَجَّتِهِ الَّتِي حَجَّ قَنْزَلًا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَأَمَرَ الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَأَخَذَ يَدِيَّ عَلِيٌّ فَقَالَ أَلَسْتُ
أَوَّلَى يَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا بَلَى قَالَ أَلَسْتُ أَوَّلَى يَكُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ قَالُوا بَلَى قَالَ
فَهَذَا وَلِيُّي مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِّ مِنْ وَآلَاهُ اللَّهُمَّ عَادٍ مِنْ عَادَاهُ .

عدي بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است که در «حجة الوداع» که افتخار
همراهی با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَا داشتیم ، در بازگشت ، در یکی از مسیرها
دستور داد برای نماز جمع شویم و در آنجا دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«أَلَسْتُ أَوَّلَى يَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ ؛ أَيَا مِنْ سِزَاوَرْتَرِ نِیْسْتَم بَه مُؤْمِنَانِ از خُود
آنها؟ » همگی تصدیق کرده و بله گفتند . باز فرمود :

«أَلَسْتُ أَوَّلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ ؛ أَيَا مِنْ نَسَبْتِ بَه تَك تَك مُؤْمِنَانِ از خُود آنها
سزاوارتر نیستم ؟ » .

باز هم تصدیق کرده و بله گفتند . سپس اشاره به حضرت علی علیه السلام کرده و
فرمود:

«فَهَذَا وَلِيُّي مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ» ؛ اکنون که فرموده مرا تصدیق کردید ، بدانید که علی به هر
مؤمنی همان مقام اولویت را دارد که من نسبت به آن مؤمن دارم.

سپس فرمود : « پروردگارا! دوست علی علیه السلام را دوست بدار ، و دشمن او را
خوار و ذلیل فرما » .

ابن ماجه القزويني ، محمد بن يزيّد (متوفاي 275 هـ) ، سنن ابن ماجه ، ج 1 ، ص 43 ، ح 116 ، قُضِلَ عَلَيَّ
بَن أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، ناشر : دار الفكر - بيروت .

الباني بعد از نقل این روايت مي گويد :

صحيح .

محمد ناصر الأباني ، صحيح ابن ماجه ، ج 1 ، ص 26 ، ح 113 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

4 . ابن حجر عسقلاني از امير مؤمنان عليه السلام :

وقال إسحاق : أَخْبَرَنَا أَبُو عَامِرٍ الْعَقَدِيُّ ، عَنْ كَثِيرِ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ [عمر] بَن
عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : إِنْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَضَرَ الشَّجَرَةَ
بِخَمٍ ، ثُمَّ خَرَجَ آخِذًا بِيَدِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : « أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّكُمْ

؟ « قالوا : بلى . قال صلى الله عليه وسلم : « أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ وَرَسُولَهُ أَوْلَىٰكُمْ ؟ » . فقالوا : بلى . قال : « فَمَنْ كَانَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ ، وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى ، سِبْبه بِيَدِي ، وَسِبْبه بِأَيْدِيكُمْ ، وَأَهْلَ بَيْتِي » .

حضرت علی علیه السلام فرموده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر درختی در محل «خم» قرار گرفته بود ، طولی نکشید از زیر درخت بیرون آمده و دست مرا گرفت و خطاب به مردم فرمود : ای مردم ! مگر نه این است که گواهی می‌دهید ، خدای تعالی پروردگار شماست ؟ در پاسخ گفتند : آری ! فرمود :

مگر نه این است که گواهی می‌دهید ، خدا و رسول او از جان شما به شما سزاوارترند ؟ و خدا و رسول او مولای شمايند ؟ گفتند : آری ! فرمود : بنا بر این ، کسی که خدا و رسول او مولای او هستند ، به راستی این شخص (علی علیه السلام) مولای اوست. اینك ، در میان شما دو اثر ارزنده و گرانبها می‌گذارم که هرگاه به آنها تمسك کنید ، هرگز در منجلا ب گمراهی گرفتار نخواهید شد : یکی ، کتاب خدا است که ريسمان استوار میان شما و خدا می‌باشد که يك طرف آن در دست حق تعالی است و طرف دیگرش در اختیار شماست و دیگری ، اهل بیت من است .

ابن حجر بعد از نقل این روایت می‌گوید :

(هذا إسناده صحيح) ، وحديث غدير خم قد أخرج النسائي من رواية أبي الطفيل عن زيد بن أرقم ، وعلي ، وجماعة من الصحابة رضي الله عنهم ، وفي هذا زيادة ليست هناك ، وأصل الحديث أخرجه الترمذي أيضا .

سند این روایت صحیح است . حدیث غدیر خم را نسائی از طریق أبو طفیل از زید بن أرقم و نیز از علی علیه السلام و گروهی از صحابه نقل کرده است . در این روایت چیزهای است که در آنها نیست . اصل حدیث را ترمذی نیز نقل کرده است .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر (متوفای 852 هـ) ، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية ، ج 16 ، ص 142 ، ح 3943 ، تحقیق : د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري ، ناشر : دار العاصمة/ دار الغیث - السعودية ، الطبعة : الأولى ، 1419 هـ .

5 . احمد بن حنبل از ریا ب الحرث :

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن آدم ثنا حَنْشُ بْنُ الْحَرثِ بْنِ لَقِيطِ النخعي الأشجعي عن رِيَّاحِ بْنِ الْحَرثِ قَالَ جَاءَ رَهْطٌ إِلَى عَلِيٍّ بِالرَّحْبَةِ فَقَالُوا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا قَالَ كَيْفَ أَكُونُ مَوْلَاكُمْ وَأَنْتُمْ قَوْمٌ عَرَبٌ قَالُوا سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدَا يَرْخُمُ يَقُولُ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ قَالَ رِيَّاحٌ فَلَمَّا مَضَوْا تَبِعْتُهُمْ فَسَأَلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالُوا نَفَرٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فِيهِمْ أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ .

نخعي از ریا ب بن حارث روایت کرده است که گروهی در رحبه حضور مبارك حضرت علی علیه السلام شرفیاب شدند ، سلام بر آن حضرت کرده گفتند : «السَّلام عليك يا مولانا» حضرت علی علیه السلام از آنان پرسید : چگونه من مولای شما هستم با آنکه شما از گروه

عرب می‌باشید ؟ در پاسخ گفتند : به دلیل آن که در روز غدیر خم از رسول خدا صَلَّی اللّٰه علیه و آله شنیدیم می‌فرمود :

«من كنت فانّ هذا مولا»

ریاح گوید : پس از آن که گروه مورد نظر از حضور مبارک مرخص شدند ، دنبال آنان رفته و از کسانی پرسیدم که اینان از چه تیره‌ای هستند ؟ گفتند : از مردم «انصار» هستند که در میان آن‌ها ابو ایوب انصاری نیز وجود داشت .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشيباني (متوفای 241هـ) ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج 5 ، ص 419 ، ح 23609 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

البانی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أخرجه أحمد والطبراني من طريق حنش بن الحارث بن لقيط النخعي الأشجعي عن رياح بن الحارث .

قلت : وهذا إسناد جيد رجاله ثقات . وقال الهيثمي : « رواه أحمد و الطبراني ، ورجال أحمد ثقات » .

البانی ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

این روایت را احمد و طبرانی از طریق حنش بن حارث بن لقیط از ریاح بن حارث نقل کرده‌اند . نظر من این است که سند این روایت نیکو و راویان آن مورد اعتماد هستند . و هیثمی گفته است که احمد و طبرانی آن را نقل کرده‌اند و راویان مسند احمد مورد اعتماد هستند .

6 . احمد بن حنبل از ابی طفیل :

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَأَبُو نُعَيْمٍ الْمَعْنَى قَالَا ثنا فِطْرٌ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ قَالَ جَمَعَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ النَّاسَ فِي الرَّحْبَةِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ أُنْشِدُوا اللَّهَ كُلَّ أَمْرٍ مُسْلِمٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَا سَمِعَ لَمَّا قَامَ فَقَامَ ثَلَاثُونَ مِنَ النَّاسِ وَقَالَ أَبُو نُعَيْمٍ فَقَامَ نَاسٌ كَثِيرٌ فَشَهِدُوا حِينَ أَخَذَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ لِلنَّاسِ اتَّعَلَمُونَ إِنِّي أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مِنْ عَادَاهُ قَالَ فَخَرَجْتُ وَكَأَنَّ فِي نَفْسِي شَيْئًا فَلَقِيتُ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ فَقُلْتُ لَهُ إِنِّي سَمِعْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ كَذًا وَكَذَا قَالَ فَمَا تُنْكِرُ قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ ذَلِكَ لَهُ .

فطر بن خلیفه از ابو طفیل نقل کرده است حضرت علی علیه السلام مردم را در رجب گرد آورد و فرمود : سوگند می‌دهم هر مرد مسلمانی که غدیر خم را به خاطر دارد و سخنی را که در آن روز از رسول خدا صَلَّی اللّٰه علیه و آله شنیده است ، از جای برخیزد . سی تن از مردم برای اقامه شهادت بر پای خاستند .

ابو نعیم ، گفته است که گروه بسیاری قیام کردند و اعلام کردند آن هنگام حاضر بودیم که رسول خدا صَلَّی اللّٰه علیه و آله دست امیر المؤمنین علی علیه السلام را به دست مبارک خود گرفت خطاب به مردم فرمود:

آیا می‌دانید که من سزاوارتر به مؤمنان از خود آنها می‌باشم؟ همگی فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را تصدیق کردند و به همین دلیل بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من كنت مولا فهذا مولا»

و اضافه فرمود: «پروردگارا! دوست علی را دوست بدار، و دشمن علی را دشمن بدار».

ابو طفیل گفت: از میان جمع در حالی بیرون رفتم که در خودم احساس ناراحتی می‌کردم، و در بازگشت از اجتماع مردم، به دیدار زید بن ارقم رفتم و به او گفتم: از علی چنین و چنان شنیدم و ناراحت شدم! زید گفت: آنچه را که شنیدی انکار مکن!؛ زیرا آنچه را که شنیده‌ای من خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام!

أحمد بن حنبل، أبو عبدالله الشيباني (متوفى 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل ج 4، ص 370، ح 19321، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید:

أخرجه أحمد (4 / 370) و ابن حبان في " صحيحه " (2205 - موارد الظمان) و ابن أبي عاصم (1367 و 1368) و الطبراني (4968) و الضياء في " المختارة " (رقم - 527 بتحقيقي) .

قلت: و إسناده صحيح على شرط البخاري . و قال الهيثمي في " المجمع " (9 / 104) : " رواه أحمد و رجاله رجال الصحيح غير فطر بن خليفة و هو ثقة " .

این روایت را احمد، ابن حبان در صحیحش، ابن ابی عاصم، طبرانی، مقدسی در المختاره که خود آن را تحقیق کرده‌ام، نقل نموده‌اند.

نظر من این است که این روایت بر طبق شرائطی که بخاری برای صحت حدیث قائل است، صحیح است. هیثمی در مجمع الزوائد گفته است که آن را احمد نقل کرده و راویان حدیث احمد، راویان صحیح بخاری هستند؛ غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است.

الباني، محمد ناصر، السلسلة الصحيحة، ج 4، ص 249، طبق برنامه المكتبة الشاملة.

7. احمد بن حنبل از سعید بن وهب و زید بن یسع:

حدثنا عبد الله ثنا علي بن حكيم الأودي أنبأنا شريك عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب وعن زيد بن يثيع قالاً نشد علي الناس في الرحبة من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خمّ الا قام قال فقام من قبل سعيد سيرة ومن قبل زيد سيرة فشهدوا انهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لعلي رضي الله عنه يوم غدیر خمّ أليس الله أولى بالمؤمنين قالوا بلى قال اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه .

أبو اسحاق از سعید بن وهب و از زید بن یثیع روایت کرده است که هر دو تن گفتند: حضرت علی علیه السلام در رحبه، حاضران را سوگند داد که هر کس در روز غدیر خم سخنی در حق من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده است از جا برخیزد. در این

هنگام شش تن از کنار سعید و شش تن از پهلوی زید برخاستند و گواهی دادند که آنان در
آنروز از رسول خدا صلی الله علیه و آله در محل غدیر شنیدند ، خطاب به مردم فرمود :

«أليس الله أولى بالمؤمنين؟»

حاضران گفتند :

آری ! خدا بر همگی آنان اولویت دارد . به همین دلیل بود که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود :

«اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

خدایا هرکس من مولای او هستم ، علی مولای او است ، خدایا دوست بدار هر کس
علی را دوست دارد و دشمن باش با هر کس که با علی دشمنی کند .

أحمد بن حنبل ، أبو عبدالله الشيباني (متوفى 241 هـ) ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، ج 1 ، ص 118 ،
ح 950 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

محمد ناصر الباني بعد از نقل این روایت می گوید :

و قد مضى في الحديث الرابع - الطريق الثانية و الثالثة . و إسناده حسن ، و أخرجه
البخار بنحوه و أتم منه . و للحديث طرق أخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيتمي في "
المجمع " (9 / 103 - 108) .

وقد ذكرت و خرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواقف عليها بعد تحقيق الكلام على
أسانيدھا بصحة الحديث يقينا ، و إلا فهي كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة في كتاب مفرد
، قال الحافظ ابن حجر : منها صحاح و منها حسان .

و جملة القول أن حديث الترجمة حديث صحيح بشطريه ، بل الأول منه متواتر عنه
صلى الله عليه وسلم كما ظهر لمن تتبع أسانيدھ و طرقه ، و ما ذكرت منها كفاية .

در حدیث چهارم ، طریق دوم و سوم گذشت . سند آن حسن است و بخار به صورت
کامل تر آن را نقل کرده است . علاوه بر آن برای حدیث غدیر سندهای بسیاری ذکر شده است
که افراد زیادی مانند هیثمی در کتابش المجمع اسناد آن را ذکر کرده اند ،

و من آنچه آورده ام به اندازه توانم بوده است که هر کسی پس از آشنائی با اسناد آن
یقین به صحت پیدا می کند و گرنه بسیار بیشتر از آن است که من آورده ام . ابن عقده همه
راه های نقل آن را در کتابی مستقل جمع کرده است و ابن حجر بنا بر بعضی از اسناد ، آن را
صحیح و بر بعضی از اسناد ، حسن دانسته است .

خلاصه سخن آن که هر دو قسمت این روایت [من كنت مولاه فعلى مولاه ؛ اللهم وال
من والاه] صحیح هستند ؛ بلکه قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه
وآله نقل شده است

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

8 . نسائی از زید بن أرقم :

أخبرنا محمد بن المثنى قال حدثني يحيى بن حماد قال حدثنا أبو عوانة عن سليمان
قال حدثنا حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زید بن أرقم قال لما رجع رسول الله صلى
الله عليه وسلم عن حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال كأنی قد دعیت

فأجبت و إني قد تركت فيكم الثقليين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله وعترتي أهل بيتي فأنظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض ثم قال إن الله مولاي وأنا ولي كل مؤمن ثم أخذ بيد علي فقال من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فقلت لزید سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال ما كان في الدوحات أحد إلا رآه بعينه وسمعه بأذنيه .

ابو طفیل از زید بن ارقم نقل کرده است : هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجة الوداع بازمی‌گشت ، در محل غدیر خم منزل کرد و به درختان چندی که در آن نزدیکی بود اشاره کرد . اصحاب بلا فاصله زیر آن درخت‌ها را تمیز کرده و سایبانی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله تشکیل دادند . حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زیر آن سایبان قرار گرفت و خطاب به حاضران فرمود :

روزگار من به پایان رسیده و مرا به سوی خدا و عنایات حضرت او دعوت کرده‌اند ، دعوت حضرت او را اجابت کرده‌ام . اینک ، دو اثر گرانبها در میان شما به جای می‌گذارم که یکی از آن دو ، مهمتر از دیگری است و آن دو اثر گرانبار ، کتاب خدا و عترت اهل بیت من است ؛ اینک بنگرید تا پس از رحلت من با آن‌ها چگونه رفتار خواهید کرد . بدیهی است این دو یادگار از یکدیگر دور نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض کوثر با من ملاقات نمایند . سپس فرمود :

«إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ»

سپس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ اللَّهُمَّ وَالْ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مِنْ عَادَاهُ»

ابو طفیل گوید : از زید پرسیدم : آیا تو از رسول خدا صلی الله علیه و آله این جملات را شنیده‌ای ؟ زید در پاسخ گفت : آری ! همه آن‌ها که در اطراف درختان حضور داشتند آن حضرت را دیدند و سخن ایشان را شنیدند.

النسائي ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفاي 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ، ص 96 ، ح 79 ، تحقيق : أحمد ميرين البلوشي ، ناشر : مكتبة المعلا - الكويت الطبعة : الأولى ، 1406 هـ .

حاكم نیشابوري بعد از نقل روایت می‌گوید :

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله .

این حدیث با شرائطی که بخاری و مسلم در صحت روایت قائل هستند ، صحیح است ؛ ولی آن‌ها نقل نکرده‌اند .

الحاكم النيسابوري ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفاي 405 هـ) المستدرک علی الصحیحین ، ج 3 ص 118 ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، ط 1 ، 1411 هـ - 1990 م .

ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفاي 774 هـ) بعد از نقل روایت می‌گوید :

قال شيخنا أبو عبد الله الذهبي وهذا حديث صحيح .

ابن کثیر دمشقی ، إسماعيل بن عمر القرشي أبو الفداء ، البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 209 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

استاد ما ابو عبد الله ذهبي گفت که این حدیث صحیح است .

9 . نسائي از سعد بن أبي وقاص :

83 أخبرني زكريا بن يحيى قال حدثنا نصر بن علي قال أخبرنا عبد الله ابن داود عن عبد الواحد بن أيمن عن أبيه أن سعدا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كنت مولاه فعلي مولاه .

سعد بن أبي وقاص گفته است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود : هرکس من مولای او هستم ، علی مولای او است .

النسائي ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفى 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ، ص 81 ، ح 83 ، ناشر : مكتبة المعلا - الكويت - 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : أحمد ميرين البلوشي .
الباني بعد از نقل روایت می‌گوید :

الثانية [من طريق سعد بن أبي وقاص] : عن عبد الواحد بن أيمن عن أبيه به . أخرجه النسائي في " الخصائص " و إسناده صحيح أيضا ، رجاله ثقات رجال البخاري غير أيمن والد عبد الواحد و هو ثقة كما في " التقريب " .

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامج المكتبة الشاملة .

روایت دوم از روایت‌های سعد بن أبي وقاص از عبد الواحد بن أيمن از پدرش نقل شده است . این روایت را نسائي در خصائص نقل کرده و سندش صحیح و راویان آن راویان صحیح بخاری هستند ؛ غیر از پدر عبد الواحد که او نیز مورد اعتماد است ؛ چنانچه در تقریب التهذیب ابن حجر آمده است .

10 . حاکم نیشابوری از زید بن أرقم :

أخبرني محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر عن يحيى بن جعدة عن زید بن أرقم رضي الله عنه قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى انتهينا إلى غدير خم فأمر بدوح فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه وقال يا أيها الناس أنه لم يبعث نبي قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله وإنني أوشك أن أدعى فأجيب وإنني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل ثم قام فأخذ بيد علي رضي الله عنه فقال يا أيها الناس من أولى بكم من أنفسكم ؟ قالوا الله ورسوله أعلم . [قال] : ألسنت أولى بكم من أنفسكم ؟ قالوا : بلى قال من كنت مولاه فعلي مولاه .

يحيى بن جعدة از زید بن أرقم روایت کرده است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه خویش ادامه می‌دادیم تا به غدير خم رسیدیم . در آن جا درختی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن درخت اشاره کرد و اصحاب زیر آن درخت را تمیز و مرتب ساختند و آن روز به اندازه‌ای هوا گرم بود که ما روز گرم و پر حرارتی را مانند آن روز ندیده بودیم .

در آنجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایراد خطابه پرداخت . پس از حمد و ثنای الهی ، خطاب به مردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نمی‌شود مگر آنکه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده‌دار می‌شود ؛ طولی نمی‌کشد ، دعوت الهی را اجابت

می‌کنم و دو اثر گران سنگ (یا گرانها) در میان شما به جای می‌گذارم که اگر از خواسته و رویه آنان پیروی نمایید ، هرگز به گمراهی گرفتار نخواهید شد : یکی کتاب خدا و دیگری عترت من است .

سپس دست علی علیه السلام را به دست گرفت و خطاب به مردم گفت : ای مردم ! چه کسی از جان و مال شما ، از خود شما سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله داناتر و اولیتر به جان و مال است آنگاه فرمود :
«من كنت مولاه فعليّ مولاه» .

حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می‌گوید :

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه .

و ذهبی نیز در تلخیص المستدرک سخن وی را تأیید می‌کند .

الحاکم النیسابوری ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله (متوفای 405 هـ) المستدرک علی الصحیحین مع تضمینات الذهبی فی التلخیص ، ج 3 ، ص 613 ، ح 6272 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، ط 1 - 1411 هـ - 1990 م .

11 . بزار از زید بن یثیع :

حدثنا يوسف بن موسى قال نا عبید الله بن موسى عن فطر بن خليفة عن أبي إسحاق عن عمرو ذي مر وعن سعيد بن وهب وعن زید بن یثیع قالوا سمعنا عليا يقول نشدت الله رجلا سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم لما قام فقام إليه ثلاثة عشر رجلا فشهدوا أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا بلى يا رسول الله قال فأخذ بيد علي فقال من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأحب من أحبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره واخذل من خذله .

ابو اسحاق از عمرو بن ذی مر ، سعید بن وهب و زید بن یثیع به اتفاق همگان روایت کرده‌اند که از حضرت علی علیه السلام شنیدیم ، سوگند می‌داد که اگر کسی از شما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم آن چه را درباره من فرموده ، شنیده است ، شهادت خود را اعلام نماید . سیزده تن از حاضران از جای برخاستند و شهادت دادند که از آن حضرت صلی الله علیه و آله شنیدیم ، فرمود : مگر نه این که من از جان مؤمنان سزاوارتر از خود آن ها هستم ؟ مردم فرموده آن حضرت را تصدیق کردند . در این هنگام دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«من كنت مولاه فعليّ مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأحب من أحبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره واخذل من خذله» .

البنار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البنار) ج 3 ، ص 35 ، ح 786 ، تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسة علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بیروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .

هیثمی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

رواه البزار و رجاله رجال الصحيح غير فطر بن خليفة وهو ثقة .

این روایت را بزار نقل کرده و راویان آن راویان صحیح بخاری هستند ، غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است .

الهیثمی ، علی بن ابی بکر (متوفای 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 105 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407هـ .

12 . بزار از سعد بن ابی وقاص :

حدثنا هلال بن بشر قال نا محمد بن خالد بن عثمة قال نا موسى بن يعقوب قال نا مهاجر بن مسمار عن عائشة بنت سعد عن أبيها أن رسول الله أخذ بيد علي فقال (ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ من كنت وليه فإن عليا وليه .

عائشه دختر سعد از پدرش نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : آیا من از مؤمنین نسبت به خودشان سزاوارتر نیستم ؟ هر کس که من مولای او هستم ، علی مولای او است .

البزار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البزار) ج 4 ، ص 41 ، ح 1203 ، تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسة علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بیروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .

هیثمی بعد از نقل روایت می گوید :

رواه البزار ورجاله ثقات .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 107 ، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي الوفاة: 807 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407 .

این روایت را بزار نقل کرده و راویان آن مورد اعتماد هستند .

13 . ابن ابی عاصم از امیر مؤمنان علیه السلام :

حدثنا سليمان بن عبيد الله الغيلاني ثنا أبو عامر ثنا كثير بن زيد عن محمد بن عمر بن علي عن أبيه عن علي أن النبي صلى الله عليه وسلم قام بحفرة الشجرة بخم وهو أخذ بيد علي فقال أيها الناس ألسنتم تشهدون أن الله ربكم قالوا بلى قال ألسنتم تشهدون أن الله ورسوله أولى بكم من أنفسكم قالوا بلى وإن الله ورسوله مولاكم قالوا بلى قال فمن كنت مولاة فإن هذا مولاة .

البانی در ذیل حدیث می گوید :

حسن .

از علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله بر کنده درختی در غدیر خم ایستاده بود ؛ در حالی که دست علی علیه السلام به دست او بود . سپس فرمود : ای مردم ! آیا شهادت می دهید که خداوند پروردگار شما است ؟ گفتند : آری ، فرمود : آیا شهادت می دهید که خدا و رسول خدا از خود شما بر شما سزاوارترند ؟ گفتند : آری ، فرمود : آیا شهادت می دهید که خدا و رسول او سرپرستان شما هستند ، گفتند : آری . فرمود : هرکس من مولای او هستم ، این (علی علیه السلام) مولای او است .

عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني (متوفای 287 هـ) السنة ، ج 2 ، ص 605 ، ح 1361 ، تحقیق : محمد

ناصر الدین الألبانی ، ناشر : المكتب الإسلامي - بیروت ، الطبعة : الأولى 1400 هـ .

14 . طبرانی از زید بن ارقم :

4986 حدثنا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ثنا أَبُو نُعَيْمٍ ثنا كَامِلُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ سَمِعْتُ حَبِيبَ بْنَ أَبِي ثَابِتٍ يَحْدُثُ عَنْ يَحْيَى بْنِ جَعْدَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى غَدِيرِ خُمٍّ أَمَرَ يَدُوحَ فَكُسِحَ فِي يَوْمٍ مَا أَتَى عَلَيْنَا يَوْمٌ كَانَ أَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا عَاشَ يَصْفَ مَا عَاشَ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ وَإِنِّي أَوْشَكُ أَنْ أُدْعَى فَأَجِيبَ وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ كِتَابَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ وَأَخَذَ يَدَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَقَالَ عَلِيٌّ مَوْلَاهُ .

یحیی بن جعدہ از زید بن ارقم روایت کرده است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه خویش ادامه می‌دادیم تا به غدیر خم رسیدیم . در آن جا درختی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن درخت اشاره کرد و اصحاب زیر آن درخت را تمیز و مرتب ساختند و آن روز به اندازه‌ای هوا گرم بود که ما روز گرم و پر حرارتی را مانند آن روز ندیده بودیم .

در آنجا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایراد خطابه پرداخت . پس از حمد و ثنای الهی ، خطاب به مردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نمی‌شود مگر آنکه نیمی از مقدار زندگی پیغمبر پیشین خود را عهده‌دار می‌شود ؛ طولی نمی‌کشد ، دعوت الهی را اجابت می‌کنم و دو اثر گران بار (یا گرانبها) در میان شما به جای می‌گذارم که اگر از خواسته و رویه آنان پیروی نمایید ، هرگز به گمراهی گرفتار نخواهید شد: یکی کتاب خداست و دیگری عترت من است .

سپس دست علی علیه السلام را به دست گرفت و خطاب به مردم گفت : ای مردم ! چه کسی از جان و مال شما ، از خود شما سزاوارتر است ؟ گفتند : خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله داناتر و اولیتر به جان و مال است آنگاه فرمود :

«من كنت مولاة فعلي مولاة» .

المعجم الكبير ، ج 5 ، ص 171 ، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: 360 ، ناشر : مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : حمدي بن عبدالمجيد السلفي .

الباني بعد از نقل این روایت می‌گوید :

أخرجه الطبراني (4986) و رجاله ثقات .

طبرانی آن را نقل کرده و روایان آن مورد اعتماد هستند .

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامه المكتبة الشاملة .

کتاب‌هایی که در باره سند حدیث غدیر نوشته شده :

گسترده‌گی اسناد حدیث غدیر آن چنان بوده است که برخی از دانشوران اهل سنت ، برای جمع آوری تمام آن‌ها مجبور شده‌اند کتاب‌های مستقلی بنویسند که جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد .

1. محمد بن جریر طبري (متوفاي 310هـ):

محمد بن جریر طبري از کسانی است که کتاب مستقلي در چهار جلد در باره اسناد این روایت نوشته است ؛ چنانچه ذهبي در باره کتاب او مي گوید :

جمع طرق حديث غدیر خم في أربعة أجزاء رأيت شطره فبهمني سعة رواياته وجمعت بوقوع ذلك .

محمد بن جریر طبري اسناد روایت غدیر خم را در چهار جلد جمع آوري کرده است که من قسمت از آن را دیدم و از گستردگی روایات آن شگفت زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، سير أعلام النبلاء ، ج 14 ، ص 277 ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسي ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، التاسعة ، 1413 هـ . و در تذكرة الحفاظ در ترجمه محمد بن جریر طبري مي نويسد :

قلت رأيت مجلدا من طرق الحديث لابن جریر فاندعشت له ولكثرة تلك الطرق .

من يك جلد از کتاب اسناد حديث غدیر را که ابن جریر نوشته بود را دیدم و از زیاد بودن اسناد آن گيج و مبهوت شدم .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز ، تذكرة الحفاظ ج 2 ، ص 710 ، رقم : 728 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الأولى . و ابن كثير سلفي نیز در البداية والنهاية مي گوید :

وقد رأيت له كتابا جمع فيه أحاديث غدیر خم في مجلدين ضخمين وكتابا جمع فيه طريق حديث الطير

کتابي از ابن جریر طبري را دیدم که که در آن احاديث غدیر خم را گردآوری کرده بود که دو جلد ضخيم بود . و نیز طبري کتاب ديگري دارد که در آن اسناد حديث طير را گردآوری کرده است .

البداية والنهاية ، ج 11 ، ص 147 ، اسم المؤلف : إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة : 774 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

2. أبو العباس ابن عقده (333هـ) :

وقد استوعبها بن عقدة في كتاب مفرد وكثير من اسانيدھا صحاح وحسان ابن عقده روایات غدیر را در کتاب مستقلي جمع آوري کرده است که بسياري از اسناد آن صحيح و حسن هستند .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، فتح الباري شرح صحيح البخاري ، ج 7 ، ص 74 ، ناشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب . و در تهذيب التهذيب مي نويسد :

واعتنى بجمع طرقه أبو العباس بن عقدة فأخرجه من حديث سبعين صحابيا أو أكثر .

أبو العباس بن عقده تمام اسناد حديث غدیر را جمع آوري کرده که در آن روایت بیش از هفتاد صحابي و یا بیشتر را نقل نموده است .

ابن حجر عسقلاني ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي ، تهذيب التهذيب ، ج 7 ، ص 297 ، ناشر : دار الفكر - بيروت - 1404 - 1984 ، الطبعة : الأولى .

3 . شمس الدين ذهبي (متوفاي 748هـ) :

وي در تذكرة الحفاظ در باره حديث طير و حديث غدیر مي نويسد :
واما حديث الطير فله طرق كثيرة جدا قد افردتها في مصنف ومجموعها هو يوجب ان يكون الحديث له أصل واما حديث من كنت مولاه فله طرق جيدة وقد افردت ذلك أيضا .
براي حديث طير أسناد زيادي است که من آن را در کتاب مستقلي جمع آوري کرده ام ،
مجموع آنها سبب مي شود که حديث واقعيته داشته باشد . و اما حديث غدیر نیز أسناد
خوبي دارد که براي او نیز کتاب مستقلي نوشته ام .

تذكرة الحفاظ ، ج 3 ، ص 1043 ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي الوفاة: 748 ،
ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى .

نتیجه :

حديث غدیر نه تنها با سندهاي صحيح نقل شده است ؛ بلکه به اعتراف بزرگان اهل سنت متواتر است و حتي
کتابهاي مستقلي در باره آن توسط علماي سني نوشته شده است ؛ اما پذيرش و اعتراف به آن نیازمند قلب
سليم ، تقوا و انصاف است که متأسفانه برخي از دشمنان اهل بيت عليهم السلام ؛ از جمله ابن تيميه حراني و
ابن حزم اندلسي از داشتن آن محروم بوده اند .
ابن حجر عسقلاني در لسان الميزان در باره ابن تيميه و انصاف آن در نقد احاديث ، مي نويسد :
لكن وحدته كثير التحامل إلى الغاية في رد الأحاديث التي يوردها بن المطهر وان كان
معظم ذلك من الموضوعات والواهيات لكنه رد في رده كثيرا من الأحاديث الجياد التي لم
يستحضر حالة التصنيف مظانها .

ابن تيميه در ردّ احاديثي که علامه حلي به آن استدلال کرده است زياده روي نموده
است تا آنجا که احاديث خوب و معتبر فراواني را رد کرده است.

لسان الميزان ، ج 6 ، ص 319 ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: 852 ،
ناشر : مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - 1406 - 1986 ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : دائرة المعارف النظامية -
الهند .

و در فتح الباري مي نويسد :

وأنكر بن تيمية في كتاب الرد على بن المطهر الرافضي المؤاخاة بين المهاجرين
وخصوصا مؤاخاة النبي صلى الله عليه وسلم لعلي قال لأن المؤاخاة شرعت لإرفاق بعضهم
بعضا ولتأليف قلوب بعضهم على بعض فلا معنى لمؤاخاة النبي لأحد منهم ولا لمؤاخاة مهجري
لمهاجري وهذا رد للنص بالقياس وإغفال عن حكمة المؤاخاة .

ابن تيميه در کتابش که رد بر علامه حلي است داستان عقد برادري بين مهاجران
مخصوصاً بين رسول خدا و علي را انکار کرده و مي گويد : فلسفه عقد اخوت براي تأليف دلها
و ايجاد محبت و دوستي بين دو نفر تشريع شد ؛ ولي بين دو مهاجر و شخص رسول خدا بي
معني است .

این این حرفها را کسي مي زند از حکمت این دستور بي خبر است .

فتح الباري شرح صحيح البخاري ، ج 7 ، ص 271 ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني
الشافعي الوفاة: 852 ، ناشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب .

و الباني وهابي ، هدف خود را از بررسي سند حديث غدیر ، زياده روي ابن تيميه در تضعيف اين روايت
دانسته و مي گويد :

فقد كان الدافع لتحرير الكلام على الحديث و بيان صحته ، أنني رأيت شيخ الإسلام بن تيمية ، قد ضعف الشطر الأول من الحديث و أما الشطر الآخر ، فزعم أنه كذب ! و هذا من مبالغته الناتجة في تقديري من تسرعه في تضعيف الأحاديث قبل أن يجمع طرقها و يدقق النظر فيها و الله المستعان .

غرض من از تشریح حدیث غدیر و بیان صحت آن، تضعیف ابن تیمیه بخش اول (من كنت مولاه فعلي مولاه) و دروغ دانستن بخش دوم (اللهم وال من والاه...) آن است ، این زیاده روی ابن تیمیه و عجله در تضعیف احادیث قبل از مطالعه در اسناد متعدد روایت و دقت نظر در صحت و سقم آن است .

الباني ، محمد ناصر ، السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 .

آنچه ما نقل کردیم ، مختصری از اعترافات بزرگان سنی و صحه گذاشتن آن ها بر حدیث غدیر بود ، برای اطلاع بیشتر به کتاب الغدير ، ج 1 ، ص 294 مراجعه فرمایید . علامه امینی رضوان الله تعالی علیه 43 نفر از دانشمندان سنی را نام می برد که تصریح به صحت حدیث غدیر کرده اند .

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية علي بن أبي طالب عليه السلام

اللهم العن الجبت الطاغوت

کتابخانه مجازی شیعه